

شب کریسمس 2024 - انگیزه خدا

مناسبت و داستانی که امشب در کانون توجه جهانیان قرار دارد، به خوبی شناخته شده است: عیسی، پسر خدا، در یک آخور در بیت لحم، شهری در اسرائیل به دنیا آمد. او در عهد عتیق معرفی شد - به عنوان مسیح اسرائیل و نجات دهنده جهان، که مردم را از گناهانشان از طریق آمدن و مردن خود باز خرید می کند و بدین وسیله راه بازگشت به جامعه ابدی زندگی و عشق با خدای پدر و ایجاد کننده. و این صرفاً از طریق فیض او و از طریق ایمان ما به آنچه خدا برای ما در عیسی انجام داد. کتاب مقدس همه چیز را انجیل، بشارت می نامد

همانطور که داستان کودک کوچک در گهواره معروف است، برای اکثر مردم کشور ما وقتی در مورد آن سوال می شود، غریبه است. داستانی که با غم و شاید حسرت به آن می نگریم، اما از سوی دیگر با توجه به اتفاقاتی که در این دنیا می گذرد، برای ما بسیار ماورایی به نظر می رسد.

این داستان تنها زمانی برای ما زنده و موثر می شود که شروع به باور کنیم. حقیقت و حقیقت خداوند برای مؤمن آشکار می شود. اما خود خدا باید چشم ما را به این موضوع باز کند. تا آن زمان با اینکه می بینیم کور می مانیم. اما ما می توانیم انتخاب کنیم که ایمان داشته باشیم و بنابراین اجازه دهیم کلام خدا و روح او به قلب ما دسترسی داشته باشد تا او بتواند خود را برای ما آشکار کند.

شخصی که امروز در موردش صحبت می کنیم خودش را معرفی کرد. هنگامی که یحیی عیسی برخاسته را در جزیره زندان پاتموس ملاقات کرد، می خوانیم: مکاشفه 1: 17-18 - و چون او را دیدم، مثل مرده به پای او افتادم، و او دست راست خود را بر من گذاشت و گفت: مبادا بترس! من اولین و آخرین و زنده هستم و مرده بودم و اینک من زنده هستم تا ابدالابد و کلیدهای مرگ و ملکوت مردگان در اختیار من است.

این همان عیسی است که ما امروز با آن سر و کار داریم - با شکوه، قدرتمند، چیزی از آن نوزاد درمانده در آخور باقی نمانده است.

این نوزاد بزرگ شد، وظیفه و رسالت خود را انجام داد، دروازه ای زنده به سوی خدا شد. - پادشاه پادشاهان، پروردگار همه اربابان، که در نظر او شیاطین می لرزند و کوه ها راه می اندازند، - قاضی زندگان و مردگان. او که نامی بر هر نامی است، که هر دهانی بر او ساکت می شود و هر زانویی به او تعظیم می کند. او، آغاز و پایان - کسی که زندگی را می آفریند و زندگی را حفظ می کند زیرا او خود زندگی است - پادشاه ما: عیسی ناصری.

اما کار او در این زمین در یک شبستان کوچک چوبی در یک روستای نامحسوس در اسرائیل آغاز شد. این داستان را در انجیل لوقا فصل 2، آیات 1-20 می یابیم.

وقتی به داستان کریسمس فکر می کنید، همیشه این سوال به ذهنتان خطور می کند: خدا، خدای بزرگی که آسمان و زمین را آفرید، خدای توانا که همه چیز برای او امکان پذیر است - چه دلیلی دارد؟ خودتان چه دلیلی داشته باشد که انسان شود؟ چه دلیلی دارد که او تا این حد خود را تحقیر کند، بخشی از خلقت خود شود، فانی شود، وسوسه پذیر و مستعد هر گونه درد، چه جسمی و چه روانی و عاطفی باشد؟

چرا باید این کار را بکند؟ او که می توانست با پایان دادن به بشریت و این زمین به روشی بسیار ساده از شر مشکل گناه خلاص شود.

منظورم این است که اولین تلاش در زمان طوفان در زمان نوح وجود داشت. آیا او نمی توانست به سادگی انسانیت یا چیزی شبیه به آن را بازآفرینی کند؟

کتاب مقدس توضیح عقلانی برای این عمل خدا به ما نمی دهد. اما چیزی که به ما می دهد سرخی است که باید برای پاسخ به این سوال کافی باشد: "چرا همه اینها؟" و این پاسخ در یک کلمه نهفته است: عشق

یوحنا 3: 16-18 - زیرا خدا آنقدر جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه حیات جاودانی داشته باشد. زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه برای نجات جهان به وسیله او. هر که به او ایمان آورد، مورد قضاوت قرار نخواهد گرفت. اما هر که ایمان نیاورد قبلاً محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است.

خداوند دست از انسانیت برنداشته است. او با وجود هر کاری که اینجا روی زمین انجام دادند، در جدایی و استقلال از او که انتخاب کردند، هرگز از آنها دست نکشید. - علیرغم همه جنگ ها، تمام استثماریها، تمام تخریب های محیطی، یا وجود همه بی عدالتی آشکار. - خدا هیچ وقت از ما دست نکشید. نمی دانم چگونه می توانست آن را تحمل کند و همچنان به ما بچسبید

اما کتاب مقدس روشن می کند که او این دنیا را دوست داشت و هنوز هم دوست دارد. خدا من و تو را دوست دارد، علیرغم زندگیمان، با وجود کارهایی که انجام می دهیم و نمی کنیم. ما برای او قابل تعویض نیستیم. هر یک از ما منحصر به فرد و مورد نیاز هستیم. - او ما را به شکل خود آفرید و از همان ابتدا ما را چنین می خواست. و هنگامی که خداوند در مورد چیزی و کسی تصمیم گرفت، پس تصمیم گرفت.

بله، ما در این دنیا خیلی خراب کرده ایم و توسط دیگران هم نابود شده ایم. این که ما خدا را در زندگی خود نخواستیم و در برابر او به عنوان انسان انتخاب کردیم، رنج و ویرانی بسیاری را به همراه داشته است. ما با گناه و پیامدهای آن مشخص شده ایم: بیماری و مرگ

و با این حال خدا هرگز از دوست داشتن ما دست برنداشته است! او ما را برگرداند. او ما را جلب کرد. او خودش هزینه ما را با جانش، با خونش پرداخت - زیرا ما به تنهایی نمی توانستیم اوضاع را درست کنیم

و به همین دلیل عیسی آمد. به همین دلیل است که خدا در عیسی انسان شد، فانی شد، و سوسه شد - تا همه ما را نجات دهد

او می دانست که باید اولین قدم را بردارد، حتی اگر به عنوان انسانیت به هم ریخته باشیم. او می دانست که باید راه را آماده کند، که باید به ما کمک کند، حتی اگر به معنای مرگ عیسی باشد. او حاضر نشد ما را رها کند زیرا ما را دوست دارد

و او نیز حاضر نیست شما را رها کند زیرا شما را دوست دارد. تا زمانی که زنده هستید، این عشق شما را تعقیب خواهد کرد، روح خدا به دنبال شما خواهد بود، زیرا خدا نمی خواهد که شما هلاک شوید. بهایی که او باید برای نجات شما می پرداخت خیلی زیاد است

رومیان 5: 8 - اما خدا محبت خود را به ما در این نشان می دهد، در حالی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد

نکته زیبا این است که کتاب مقدس در اینجا به ما می گوید که شما دوست داشتنی نیستید زیرا شما یک فرد بزرگ و منصف هستید که اشتباه نمی کنید. نه، عیسی جان خود را برای ما فدا کرد، برای شما، هر چند که ما شریر باشیم، هر چند بی خدا زندگی کنیم، هر چند ظالم باشیم، هر چند عیب داریم و اشتباه می کنیم. عشق او مستقل از شرایط و اعمال شماست

اگر غیر از این بود، هیچ یک از ما هرگز نجات نمی یافتیم، زیرا کتاب مقدس به وضوح بیان می کند

رومیان 3: 10-12 - همانطور که نوشته شده است: "هیچ عادل نیست، حتی یک. کسی نیست که بفهمد؛ کسی نیست که از خدا بپرسد. همه آنها رویگردان شده اند و همه فاسد هستند. هیچ کس نیکوکار نیست، حتی یک نفر (مزمور 1: 14-3)

نه، خدا تو را همین طور که هستی دوست دارد. شما می توانید همان طور که هستید نزد او بیایید. شما نمی توانید و مجبور نیستید عشق او را به دست آورید. خدا تو را در عیسی بخشیده است، این را بپذیر. امروز کریسمس برای شماست. خداوند به شما آمرزش و زندگی ابدی می دهد. عیسی مسیح نجات می دهد. عیسی مسیح شفا می دهد. عیسی مسیح آزاد می کند

من این را به شما می گویم: عشق تنها انگیزه خدا بوده و هست که چرا کاری را انجام داد - و چرا هنوز هم همان کاری را که انجام می دهد انجام می دهد

اول یوحنا 4: 9 - از این طریق محبت خدا نسبت به ما آشکار شد که خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاد تا به وسیله او زندگی کنیم

و همانطور که خداوند دنیا را رها نکرده و فراموش نکرده است، شخصاً از شما نیز دست برداشته است. شاید خودت را رها کرده باشی، اما نه خدا و این چیزی است که امروز می خواهد به تو بگوید. شما باید از طریق او زندگی کنید و به زندگی و معنای جدیدی در زندگی برسید. او نمی خواهد شما را قضاوت و محکوم کند. زمانی که عیسی را فرستاد او شما را نجات داد

خدا خدایی است که مردم را کاملاً دوست دارد - و او به این زمین آمد تا خود را از روی عشق ببخشد

عیسی زمانی که به خوبی می دانست که جان خود را برای ما انسان ها خواهد داد، گفت یوحنا 13: 15-14 - هیچ کس عشقی بزرگتر از این ندارد که جان خود را برای دوستانش فدا کند. شما دوستان من هستید اگر آنچه را که من به شما امر می کنم انجام دهید

و چه پیشنهادی به ما داد؟ - «به من ایمان بیاور و به خدا ایمان بیاور! به انجیل ایمان داشته باش!» - «باور کن که این درست است که من تو را دوست دارم، که تو را می خواهم و «می خواهم شما را به عنوان دوستان داشته باشم»

عیسی ادامه داد: «هر که به من ایمان آورد در تاریکی نخواهد ماند.» «هر که به من ایمان آورد، اگر چه بمیرد، زنده خواهد ماند.» «هر که به من ایمان آورد هرگز تشنه نخواهد شد»

به او ایمان داشته باشید. برای کاری که او انجام داد، اعتبار قائل شوید. بگذار او تو را با خدا آشتی دهد. - این چیزی است که او به ما دستور می دهد: به عشق او ایمان داشته باشید!

گاهی ممکن است باور این که خدا دنیا را دوست دارد آنقدر مشکل نباشد که باور اینکه خدا شخصاً من را دوست دارد دشوار باشد. به خصوص وقتی به گذشته، تاریخ یا شرایط زندگی کنونی خود نگاه می کنیم

این واقعیت که شما چیزهای بدی را در زندگی خود تجربه کرده اید، یا اینکه همه چیز در حال حاضر به خوبی در زندگی شما پیش نمی رود، مطلقاً دلیلی بر این نیست که خدا شما را دوست ندارد

کاملاً برعکس: او این را می بیند و شما برایش مهم هستید. شما از بدو تولد در میدان دید او بوده اید و او می خواهد بداند که عشق او زندگی شما را نیز ارزش زیستن دارد - ارزش زیستن و دوست داشتنی بودن

تو در نظر خدا دوست داشتنی هستی! به همین دلیل او برای شما به این زمین آمده است. برای همین جانش را برای تو داد. به همین دلیل است که او اکنون از اعتماد شما استفاده می کند

می دانید، این دنیا کامل نیست، نه ما انسان ها هستیم و نه شما. اما کریسمس یک چیز را به ما نشان می دهد: عیسی به سراغ افراد ناقص در دنیای ناقص آمد، دقیقاً به این دلیل که ما همین گونه هستیم.

به یاد داشته باشید که خدا محبت خود را به ما نشان داد در زمانی که ما هنوز گناهکار بودیم، عیسی برای ما مرد. - پس مجبور نیستی زندگیت را بگذاری تا خدا دوستت داشته باشد. اما شما به موقع به زندگی خود نظم خواهید داد زیرا خدا شما را دوست دارد.

امروز در این شب کریسمس هدیه او را برای شما بپذیرید. شما نمی توانید بزرگتر یا با ارزش تر دریافت کنید.